

پاسخ سوالات

امیرفیض- حقوقدان

در رابطه با مذاکرات هسته ای سوالی مطرح شده که تصور میکنم تخصیص تحریری به آن مناسب باشد.

پرسش اول

پرسش اول این است: این چه نشستی است که ۱+۵ نمایندگان زورگویان به خود اجازه وحق میدهند که حقوق واقعی یک ملت رازیرپا بگذارند؟

پرسش مزبور جنبه اعتراضی دارد نه سوال، فرق بین سوال و اعتراض این است که سوال به ساختاری که سبب بوجود آمدن موضوع و پرسش شده التفات دارد و اعتراض به آنچه بوقوع پیوسته و ملموس است ارتباط پیدا میکند.

فکر میکنم مثالی در این مورد داشته باشیم بجاست.

ناظری میبند که پلیس شخصی را کشان، کشان و دست بند زنان جلب میکند؛ نظارت مورد، یک حالت اعتراضی بوجود میآورد که ناشی از حس انسانیت و رعایت حقوق بشر است، که گاه عنوان میشود و گاهی هم نمیشود. اما سوال اینکه متهم چه کرده که مستوجب جلب و احتمالاً بازداشت است یک سوال اعتراضی نیست بلکه یک سوال قضائی است یعنی پاسخ سوال باید مستند به فعل مجرم و ماده قانون و دلیل و امثالهم باشد.

اکنون میتوان فرصت کوتاهی از این تحریر رابه پاسخ یکم پرسش کننده داد.

جمهوری اسلامی عضویت آژانس بین المللی هسته ای را دارد به اعتبار آن عضویت تعهداتی هم داشته که یکی از آن تعهدات این است؛ در صورتی که خلاف آن تعهدات رفتار کند پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت ارجاع خواهد شد.

جمهوری اسلامی به علت سابقه بد و متمردهانه نسبت به فعالیت هسته ای خود و مواردی که بنظر آژانس منطبق با ارجاع موضوع به شورای امنیت بوده پرونده اتمی ایران رابه شورای امنیت برای اتخاذ تصمیم ارسال داشته است و قطعنامه شورای امنیت با تحریم هائی کشورهای ۱+۵ را مامور مذاکره و برقراری راه حلی نموده که موجب رضایت آژانس و استرداد شکایت گردد.

بنابراین، این جمهوری اسلامی است که بانجام تخلفات و سوابق سوء، موجبات حضور و مذاکره و احتمالاً به روایت سول کننده زورگویی نمایندگان کشورهای ۱+۵ را فراهم کرده است نه کشورهای ۱+۵.

غالباً به استناد اینکه کشورهای از قبیل هند و پاکستان و اسرائیل دارای بمب هسته ای هستند اقدامات شورای امنیت و در نهایت ۱+۵ عادلانه دانسته نمیشود، چنین برداشتی از جهت احساسی درست است ولی

از نظر توجه مسئولیت درست نیست؛ و میتوان آنرا در عبارت (شیوع جرم سبب برائت مجرمین نمیشود) آورد.

مثالش این است، در یک جامعه، سوء استفاده رایج است دادستان کسی را که متهم است تحت تعقیب قرار میدهد دفاع متهم اینکه همه مرتکب سو، استفاده میشوند چرا فلانی ها تعقیب نمیشوند دفاع محسوب نمیشود.

جمهوری اسلامی متأسفانه بعلت صراحت قانون اساسی در تکلیف صادر کردن انقلاب اسلامی به تمامی کشورهای کفر در محفظه این اتهام جاسازی شده است که قانون اساسی آن کشور دولت رامقید به داشتن سلاحهای پیشرفته از جمله سلاح اتمی ساخته است، و تکذیب جمهوری اسلامی و یا توسل به فتاوی سید علی خامنه ای در مقابل صراحت قانون اساسی و کتاب اسلامی فاقد حجت است هم از نظر حقوق داخلی و هم حقوق بین الملل.

اسناد نشان میدهد که در سالهای نخست جمهوری اسلامی، به آقای دکتر فریدون فشارکی دستور داده شد که حوظیفه شماست که بمب اتمی را برای حزب جمهوری اسلامی بسازید.

همان اسناد حاکی است که دکتر فشارکی زیر بار این مأموریت نرفت و به آمریکا رفت. در سال ۱۹۸۸ هاشمی رفسنجانی خطاب به سپاه پاسداران از آنها خواست که دنبال فراهم کردن بمب اتمی باشند.

در سالهای بعد از جنگ عراق هم گزارشهایی انتشار یافت که ایران به دنبال همکاری با کره شمالی برای دستیابی به بمب هسته ای است.

دستور هاشمی رفسنجانی به سپاه پاسداران در جریان اجرا قرار گرفت، عبدالقدیر خان پاکستانی گفته است آقای شمخانی برای دریافت سه بمب اتمی به پاکستان آمد و البته قرارهای خصوصی هم بوده است ولی دولت پاکستان حاضر به فروش بمب اتمی نشد، ولی حاضر شد اطلاعات اتمی و ساخت آنرا در اختیار ایران بگذارد مشروح این گزارش را که واشنگتن پست مورخ ۲۰۱۳/۳/۱۴ نوشته توضیح داده که مبلغ این معامله ۱۰ میلیارد دلار بوده است.

سوابق مزبور و پنهانکاری های دیگر از جمله کشف لوازم فعالیت های هسته ای در داخل لوله های انتقال گاز به سفارش جمهوری اسلامی از کشور چین صورت گرفته بود، در گمرک چین فاش شد و دیگر پنهانکاری ها و مخالفت با بازرسی های آژانس گرفتاری کنونی را متوجه ایران ساخته است بنابر این مقصر واقعی در این جریان جمهوری اسلامی است، که مسئولیت اعمال و خسارات او متوجه مردم خواهد شد؛ مگر اینکه ایرانیان جمهوری اسلامی و عوامل و متصدیان آنرا قوه غاصبه حقوق حقه ملت و ایجاد کره و تدلیس به اعتبار باورهای مذهبی خود بدانند و از این طریق از ضایعه های مسئله هسته ای از جمله بازرسی های راستی آزمائی و مسائل تابعه بکاهند.

موضوع دوم - حکم و جوب

موضوع دومی که مطرح شده، سوال نیست بلکه حکم است و آن به این عبارت است که «بر همه واجب است که چارچوب قرارداد لوزان را بیطرفانه بررسی کنیم.....».

نخست اینکه در اجرای مذاکرات هسته ای بین ایران و ۱+۵ قراردادی بنام لوزان وجود ندارد، تفاهم نامه ای از سوی جمهوری اسلامی و تفاهم نامه دیگری از سوی آمریکا منتشر شده که همانطور که در هر دو ی آن متون ذکر شده نه موافقت نامه است و نه قرارداد و هر طرف توقعات خود را متن کرده است.

دوم حکم دادن از جانب کسی که خود قدرت اجرائی ندارد و یا دارد ولی مایل به خرج کردن نیست مصداق از کیسه خلیفه بخشیدن است انسان باید خودش کار را شروع کند تا دیگران به او تاسی کنند.

ایرانیان در چنین مواردی ضرب المثل (الای گود نشستن و دستور لنگش کن) را بکار میبرند.